

## فرامین و احکام خدا

یکی از موضوعات مهمی که همیشه فکر مرا به خود مشغول می کند درباره احکام و اراده ی خدا است. راستی نحوه ی کار خدا چگونه است؟ آیا کار خدا با برنامه ریزی قبلی است یا این که نه به مرور زمان عوض می شود و باید منتظر باشیم تا ببینیم که خب حالا خدا چی در فکر دارد؟ آیا می شود احکام و اراده ی خدا را فهمید و این که بدانیم چه مشخصاتی دارند؟ این سوالات همیشه برای من بوده است و فکر می کنم که برای شما هم حتما پیش آمده است. فرامین و احکام خدا شامل اهداف و اراده ی خدا و آن چه که در نظر دارد تا در آینده انجام گیرد می شود. کلام خدا به ما می گوید: وقتی من و شما خدا را دوست داریم و مطابق خواست و اراده ی او زندگی می کنیم، باید بدانیم که هرچه در زندگی ما رخ می دهد همه با هم به خیریت و نفع ما است (رومیان ۸: ۲۸) توجه کنید که فقط و فقط وقتی که ما مطابق خواست و اراده ی خدا زندگی می کنیم، در واقع داریم نشان می دهیم که خدا را دوست داریم. و آن وقت است که باید بدانیم که هرچه در زندگی امان رخ می دهد به خیریت ما است زیرا سعی می کنیم در اراده ی خدا زندگی کنیم. چون اکنون خداوند فرامین و نقشه های ازلی خودش را برای ما آشکار کرده است. (اعمال ۱۵: ۱۸). یعنی آن چه که از پیش تعیین فرموده بود که انجام بشود (اعمال ۲: ۲۳). کلام خدا می گوید: "خدا نقشه ی نهان خود را بر ما آشکار ساخت تا ما بدانیم که خدا برای چه منظوری ما را خلق کرده است و چرا عیسی مسیح را به این جهان فرستاد." (افسیسیان ۱: ۹). می توان به جای فرامین و احکام خدا، عبارت راهنمایی خدا را نیز به کار برد. زیرا این فرامین و احکام حکمت خدا را نیز در بر می گیرد. در همان حالی که این فرامین و اراده ی خود خدا است و هیچ فشار و اجباری برای این موضوع بر روی خدا نبوده است که حتما این طور تصمیم بگیرد و اراده کند. بلکه او در کمال خودمختاری و طبق خواسته ی آزاد خودش و بدون نفوذ چیزی یا تحت کنترل کس دیگری و در واقع از سر لطف و لذت خودش این طور تصمیم گرفته است و این را در کلامش به ما مکشوف نموده است. کلام خدا می فرماید: نقشه ی عالی خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او باشیم و در واقع خدا به این نقشه و اراده ی خود جنبه عمل پوشاند تا ما را از آن خود کند تا او را مورد تمجید و ستایش قرار بدهیم. (افسیسیان ۱: ۱۱-۱۲). در این جا لازم است یادآوری کنم که فرامین و احکام و اراده ی خدا تمام امور زندگی ما را در بر می گیرد. نکته مهمی که لازم است آن را در نظر داشته باشیم این است که علیرغم اجازه خدا، مبنی بر ورود گناه به این دنیای خاکی، خدا مولف گناه نیست و خدا از گناه و بدی به دور است. چون خدا قدوس و پاک است و از خدای قدوس و پاک گناهی سر نمی زند. با این حال خوب است بدانیم، با این که گناه در این دنیا وجود دارد ولی این خدا است که کنترل عملکرد گناه را در دست دارد و توسط اراده ی مجازش اجازه داده است حالت منفی و مخرب گناه وجود داشته باشد. حقیقتی که به طور واضح برای کسانی که در شناخت خدا فعال هستند آشکار است، این است که، همین طور که خدا طبق احکام و اراده اش عمل می کند، ما هم به اراده ی او پی می بریم و می فهمیم که اراده او چیست؟ همان طور که ما نقشه های یک آرشیتکت را توسط ساختمانی که ساخته است می فهمیم، همان طور نیز اراده و نقشه خدا را طبق آن چه که به مرور آشکار می کند می فهمیم. خدا اراده نکرد که آدم را خلق کند و بر روی زمین قرار بدهد و او را به حال خودش رها کند که حالا بدون هدایت و راهنمایی او زندگی کند، بلکه او موقعیت ها و جزئیات زندگی ما را بر مبنای احکام و اراده ی خودش مقرر کرده تا این احکام و اراده اجرا بشود، کلام خدا می گوید: روزهای زندگی ما شماره گذاری شده است، تدارکات خداوند برای زندگی ما چنان دقیق است که حتی بدون اجازه او برگی بر زمین نمی افتد. در ضمن احکام و اراده خدا تمام خلقت را در بر می گیرد و تمام وقایع خلقت را شامل می شود، اراده ی خدا حیات و مرگ ما را در بر می گیرد، احکام و اراده ی خدا حالت کنونی ما را در بر می گیرد و در نهایت فرامین و اراده ی خدا حالت ابدی ما را نیز در بر می گیرد. اکنون می خواهیم با هم چند جنبه مختلف احکام و اراده ی خدا را مطالعه کنیم:

یک- اراده خدا با حکمت است:

ما می توانیم حکمت خدا را در این که بهترین راه و بهترین نتیجه را در بر می گیرد ببینیم. و همین طور در این که او بهترین نتیجه را از بهترین راه در نظر دارد. در ضمن این که اراده خدا به بهترین نحو اجرا شده، نشانه با حکمت بودن اراده ی خدا هست. کلام خدا می گوید: "خداوند، کارهای دست تو چه بسیار است. همه آنها را از روی حکمت انجام داده ای..." (مزمور ۱۰۴: ۲۴). زمانی که ما به این خلقت نگاه می کنیم فقط قسمت کوچکی از کارها و اراده ی با حکمت خدا را که در مقابل ما به نمایش گذاشته است می بینیم. مثلی هست که می گوید: مشت نمونه خروار است. پس حکمت خدا در خلقتش نمونه کوچکی از حکمت او در تمام موارد الهی دیگر است. به راستی که عقل محدود ما قادر به درک این حکمت الهی نیست و خداوند خودش باید ذهن ما را بیشتر باز کند تا بهتر و بیشتر این حکمت الهی را در اراده ی او ببینیم. کلام خدا می گوید: "و که چه خدای پر جلالی داریم! حکمت و دانش و ثروت او چه عظیم است! مشیت و راه های او فوق ادراک ما است." (رومیان ۱۱: ۳۳).

دوم- احکام و اراده ی خدا بدون شرط و شروط هست، یعنی قطعی و کامل است:

منظور این است که اراده ی خدا وابسته به وجود این شرط و... یا آن شرایط نیست تا انجام بشود. در هر موردی آن چه را که خدا اراده کرده به هر نحوی یا به انجام رسیده یا به انجام خواهد رسید. در واقع نحوه ی انجام اراده اش را هم خود خدا مقرر کرده است. به عنوان مثال، در مورد رستگاری، کلام خدا به ما می گوید: "خدا از همان ابتدا ما را برگزید تا نجات بدهد و به وسیله ی روح پاکش و ایمان ما به راستی، ما را پاک سازد." (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳). "ای گناهکاران این را فراموش نکنید و به یاد داشته باشید که تنها من خدا هستم و کس دیگری مانند من نیست که بتواند به شما بگوید در آینده چه رخ خواهد داد. آن چه بگویم واقع خواهد شد و هرچه اراده کنم به انجام خواهد رسید." (اشعیا ۸: ۴۶-۱۰). موضوع جالبی که در این جا وجود دارد این است که با این که اراده ی خدا بدون تغییر و فنا ناپذیر است، کلام خدا به ما تعلیم می دهد که انسان مسئول اعمال خودش است و برای اعمال خودش جوابگو می باشد و باید در نهایت به خدا جواب پس بدهد. وقتی طرز فکر ما و افکار ما توسط کلام خدا شکل می گیرد خیلی راحت قبول می کنیم که خدا خود مختار است و انجام احکام و اراده اش بی شرط و شروط است و هم این که من و شما مسئول اعمال خود هستیم و باید در نهایت به خدا پاسخگو باشیم. (البته ما این وضعیت را هر جا که امور روحانی و جنبه های الهی با جنبه های جسمانی و دنیوی مخلوط می شود می بینیم. مثلا در مورد دعا: دعای واقعی توسط روح مقدس خدا هدایت می شود ولی در ضمن، دعا، فریاد دل ما هم هست. یا این که می بینیم که کلام خدا از الهام روح خدا هست ولی تحت هدایت روح خدا). بنابراین متوجه شدیم که اراده ی خدا با حکمت و بدون شرط و شروط و ابدی است و از قبل طراحی شده است و اگر این را نپذیریم، در واقع داریم می گوییم که تمام این دنیا و هستی بدون طرح و نظم و قوانین در حرکت است و همه چیز هم از روی شانس و اقبال است و به قول ما ایرانی ها، همه چیز به خاطر قسمت است و قسمت ما هم همین است!!! اگر این گونه باشد، چه امید و آرامشی برای این قلب نا آرام و این عقل آشفته ما وجود دارد؟ اگر این طور باشد وقتی که مشکلات و سختی ها و احتیاجات هجوم می آورند به کجا پناه جوییم؟ هیچ جایی نیست و هیچ کسی هم نیست که بتوانیم در این مواقع به او رجوع کنیم. در نتیجه اگر چنین باشد بهتر است که اصلا به خدا هم باور نداشته باشیم!!! اگر این گونه باشد فقط ظلمت هست و وحشت و پوچی و نابودی! اما باید بدانیم که واقعیت این نیست. اسناد و مدارک زیادی نشان می دهند واقعیت این نیست و ما باید شکرگذار خداوند باشیم که همه چیز تحت حکمت و نیکی خدای یکتا معین و اراده شده است. ما باید شاد، شکرگذار و ستایش گوی خداوند باشیم با این ایمان و باور که: "همه چیز با هم در کار هست برای خیریت کسانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده ی او خوانده شده اند." (رومیان ۸: ۲۸). هرچه هست از خداست، وجود همه چیز به قدرت خداستگی دارد و همه چیز برای شکوه و جلال خدا است واقعا که ستایش بی پایان بر خدای زنده باد. (رومیان ۱۱: ۳۶).